

نام کتاب: بدایة المعارف از عقیدتنا فی صفاته تعالی □ تا الفصل الثانی فی الذبوه

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریفی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره داده نمی شود (تستی ۱ و تشریفی ۲ نمره)

تستی

۱. إِنْ الظَّاهِرُ مِنَ الْأَدَلَّةِ الدَّالَّةِ عَلَى مُوَازَاةِ الْجَهَالِ، أَنَّ السُّؤَالَ وَالْعِقَابَ عَلَى تَرْكِ ... ج ۱۴۷

- أ. التَّعَلُّمُ مِنْ حَيْثُ هُوَ □  
 ب. التَّعَلُّمُ وَإِنْ كَانَ وَاجِباً غَيْرِياً □  
 ج. الْوَاقِعُ لَا عَلَى تَرْكِ التَّعَلُّمِ ■  
 د. الْوَاقِعُ وَعَلَى تَرْكِ التَّعَلُّمِ مَعاً □

۲. به نظر شارح، عدل به معنای ..... ج ۹۱

- أ. «ضد ظلم» از صفات ذاتیه ثبوتیه کمالیه است □  
 ب. تناسب اجزاء و اعتدال بوده، از صفات فعل الهی است □  
 ج. «اعطاء کل ذی حق حقّه» بوده، از صفات فعل خداوند است ■  
 د. حکمت و اتقان آفرینش بوده، از صفات فعل خدا می باشد □

۳. در بحث جبر و اختیار، آیه «وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ» اشاره به چه مطلبی دارد؟ أ ۱۴۵

- أ. إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمُرِيدُ لِفِعْلِ الْعَبْدِ عَنْ اخْتِيَارِهِ ■  
 ب. اثبات المشيئة لله و للانسان استقلالياً □  
 ج. إِنَّ اللَّهَ يَرِيدُ مَا ارَادَهُ الْعَبْدُ تَكْوِيناً وَ تَشْرِيعاً □  
 د. اثبات المشيئة لله و نفيها عن الانسان □

۴. کدام معنای قضا و قدر با علم ذاتی خداوند سازگار است؟ ب ۱۶۹

- أ. أَنَّهُ قَدَّرَ وَ قَضَى الْأَشْيَاءَ فِي لَوْحِ الْمَحْوِ وَ الْإِثْبَاتِ □  
 ب. أَنَّهُ تَعَالَى قَدْرَ الْأَشْيَاءِ قَبْلَ خَلْقِهَا وَ أَنْجَزَ أَمْرَهَا ■  
 ج. هُوَ مَا أَشَارَ إِلَيْهِ بِقَوْلِهِ تَعَالَى: إِذَا قَضَى أَمراً فَإِنَّهُ يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ □  
 د. فَصَلَ الْأَمْرَ قَوْلًا وَ فِعْلاً □

تشریحی

\* لا استیحاش فی صدق المفاهیم المختلفة علی مصداق واحد بسیط من جمیع الجهات فأنه لا يختص بهذا المورد بل عندنا أمور لا تكثر فیها و مع ذلك یطلق علیها المفاهیم المختلفة. ۷۲

۱. با توجه به عبارت، چگونگی جمع بین «بسیط و واحد بودن خدا» و «متصف شدن خدا به صفات مختلف» را بنویسید.

موارد زیادی وجود دارد که بر شیئی واحد و بسیط، مفاهیم مختلفی صدق کند. مثلاً بر تصورات ذهنی ما هم معلوم اطلاق می شود هم مقدور هم موجود، ذات واحد خداوندی هم از جهت داشتن مبدء انکشاف، عالم است، از جهت مبدء خلق بودن قادر است و كذلك، و این صدق مفاهیم مختلفه، خداوند را از بسیط بودن خارج نمی کند.

\* و کمال الاخلاص له نفی الصفات عنه لشهادة كل صفة أنها غير الموصوف و شهادة كل موصوف أنه غير الصفة فمن وصف الله سبحانه فقد قرنه و من قرنه فقد ثناه. ۸۰

۲. با توجه به فرازهای مذکور از خطبه نهج البلاغه، توضیح دهید چگونه «زیاده صفات بر ذات» ابطال می شود؟

اگر صفات زائد بر ذات باشد، حالت صفت و موصوف بودن شهادت می دهد که صفت محتاج به موصوف است و بدون آن قوامی ندارد ولی موصوف از آن بی نیاز است پس صفت از موصوف جدا می شود، و اگر کسی صفت این چنینی را به خدا نسبت دهد یعنی ذات خدا را مقارن و قرین آن صفت قرار داده و کسی که برای خدا قرین بیاورد او را دو تا شمرده است یکی ذات خدا و دیگری صفاتش و این باطل است.

\* و من جمله شبهاتهم أن المادة أزلية و أبدية فلا حاجة إلى علته الخارجية، و الجواب أن ملاك الحاجة إلى العلة موجود في المادة أيضاً فإنها ممكنة الزوال. ۸۸-۸۶

۳. با توجه به عبارت، شبهه مطرح شده توسط مادیین و پاسخ آن را بنویسید.  
شبهه مادیین: ماده ازلی و ابدی است؛ چنانکه موحدین در مورد واجب الوجود می گویند، و وقتی ماده چنین بود احتیاجی به سبب و علت خارجی ندارد همچنانکه واجب الوجود به نظر موحدین، علت نمی خواهد.  
جواب: احتیاج به علت، ملاک و مناطی دارد و این ملاک در ماده وجود دارد یعنی ماده ممکن الزوال است؛ زیرا از زوالش محال لازم نمی آید، و هر چه ممکن الزوال باشد ازلی و ابدی نبوده، به علت احتیاج دارد.

\* فالتسوية بين الناس من دون استحقاق التسوية ليست بعدل كما أن التسوية في خلقه الموجودات من دون اشتغالها على المصلحة ليست بحكمة. ۹۳  
۴. آیا مساوات در همه امور، عدالت و حکمت محسوب می شود؟ چرا؟ توضیح دهید.  
عدالت به معنای «إعطاء كل ذي حق حقه» است و از آنجایی که کسی قبل از خلقت حقی بر خداوند ندارد بنابر این خدا هر چه به هر کس بدهد فضل بر او است نه حقش و مخالفتی با عدالت ندارد، البته این تفضیل باید مطابق با حکمت خداوند باشد که چنین است، چه این که حکمت «وضع الشيء في محله» است. خلاصه آن که مساوات در همه چیز عدالت نیست زیرا حکمت خداوند اقتضاء دارد که تفضّل بر بعضی بیش تر از دیگران باشد.

۵. استدلال اشاعره به آیه «لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ» برای نفی حسن و قبح عقلی را نوشته، یک پاسخ از آن را بیان کنید. ۱۱۱  
استدلال الاشاعرة: ظهور الآية في أن إرادته تعالى هي القانون والضابطة، و لذا لا مجال للسؤال عن فعله ما يشاء و لو كان ظلماً بنظرنا فالضابطة هو ما يريد و يفعل.  
الجواب عنهم: ۱. أن الله هو حكيم على الإطلاق و لا يفعل فعلاً إلا لمصلحة مرجحة، فلا معنى للسؤال عن فعله بخلاف غيره ۲. أن الله سبحانه مالك للكل و الكل مملوكون له محضاً فله أن يفعل ما يشاء و ليس لغيره كذا و له أن يسألهم عما يفعلون و ليس لغيره أن يسأله عما يفعل ۳. أنه ليس لأحد حق لمؤاخذته بل له أن يؤاخذ غيره لأن وجود الكل منه تعالى.

۶. پاسخ اجمالی از شبهه شرور را به اختصار بیان کنید. ۱۲۵  
براهین قطعیه دلالت دارند بر اینکه خداوند فعل قبیح انجام نمی دهد و فعل حسن را ترک نمی کند چون خداوند از عواملی که موجب صدور قبیح می شود - مثل جهل و عجز - بدور است پس این شرور دارای مصالحی هستند هر چند که ما علم به آنها نداشته باشیم.

\* إن المعلولين لا يتمكنون من الاستكمال لأنهم لعنتهم عاجزون عن إتيان الأعمال الصالحة بمثل ما أتى به غيرهم فلا وجه لخلقهم.  
۷. به اشکال فوق دو پاسخ بدهید. ۱۲۸

جواب اول: إن التكليف ليس إلا بمقدار طاعتهم فإذا أتوا بالأعمال بهذا المقدار تمكّنوا من الاستكمال بما أتوا به.  
جواب دوم: إن لهم أن يقصدوا جميع الخيرات التي أتى بها غيرهم ممن ليس فيهم نقصهم لأن الأعمال بالنیات.

۸. منشأ قول به «تفويض» و دو اشکال از اشکالات عقیده تفویض را بنویسید. ۱۵۱-۱۴۹

منشأ: الاحتراز عن نسبة المعاصي والكفر والقبائح اليه تعالى حيث زعموا أنه لو لم نقل بالتفويض لزم استناد القبائح إليه تعالى.  
ایراد اول: لازم ما ذکر آن انسان لا يحتاج في مقام الفاعلية اليه تعالى بل هو مستقل في ذلك وهو ينافي التوحيد الأفعالي.  
ایراد دوم: إن الفعل والفاعل من الممكنات والممكن ما لم يجب لم يوجد فإن استند الفعل إلى الواجب صار واجباً بالغير ووجد والّا فلا يمكن وجوده وإن استند إلى جميع الممكنات.

شباهت: «ظهور شیء منه تعالى للغير» موجود فی کلّیهما. فرق: انّ فی البداء مقتضیات الشیء موجودة ولكن فی النسخ لا مقتضى لوجود الحكم بحسب الواقع، بالمقتضى فی البداء هو المقتضى الثبوتی و فی النسخ هو المقتضى الاثباتی.